لات مجازی قم دستگیر شد



فرمانده انتظامی شهرستان قم از دستگیری یکی از اراذل مجازی توسط مأمورین انتظامی خبر داد.

سرهنگ امیر مختاری در این‌باره به ایسنا گفت: در پی انتشار تصاویر و کلیپ‌های قدرت‌نمایی با سلاح سرد در صفحات مجازی یکی از اراذل سابقه دار، بلافاصله تیم عملیاتی فرماندهی انتظامی شهرستان نسبت به شناسایی این فرد اقدام کرد. این تیم با شناسایی محل اختفای این اراذل در یک عملیات ضربتی وی را دستگیر و تحویل مراجع قضایی کرد.

درگیری مسلحانه محموله سنگین شیشه

فرمانده انتظامی استان یزد از درگیری مسلحانه با قاچاقچیان مواد مخدر در شهرستان مهریز خبر داد. سردار عباسعلی بهدانی‌فرد در این‌باره گفت: مأموران از حمل مقادیر قابل توجهی مواد افیونی به‌صورت مسلحانه باخبر شدند و اقدامات خود را آغاز کرده و خودرو قاچاقچیان را مشاهده و با آنها درگیر شدند که پس از تبادل آتش سنگین، قاچاقچیان که عرصه را برخود تنگ دیدند با آتش‌زدن خودروی حامل مواد و با استفاده از تاریکی شب و پستی‌وبلندی زمین از محل متواری شدند. در این درگیری از یک تن شیشه که توسط قاچاقچیان به آتش کشیده شد، مقدار ۳۲۰ کیلو شیشه کشف شد.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
چهارشنبه ۹ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۸۹۴

پشت پرده تلاش مافیای موادمخدر برای افزایش مصرف شیشه در کشور

قیمت مخدرهای صنعتی تورم ندارد!



محمد غمخوار
لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

بنا بر آمار با وجود کاهش ۳۷ درصدی کشف برخی مواد مخدر سنتی مانند تریاک، مخدرهای صنعتی چون شیشه رشدی ۱۵ برابری داشته است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، در شش سال گذشته کشف مخدرهایی همچون تریاک از ۶۴۹ هزار و ۶۱۶ کیلوگرم در سال ۹۶ به ۴۰۴ هزار و ۹۷۶ تن و میزان کشف مخدرهایی مانند شیشه از ۲۳۹۹ کیلوگرم در سال ۹۵ به میزان قابل توجه ۳۸ هزار و ۷۳۴ کیلوگرم رسیده است. سعید صفاتیان، تحلیلگر حوزه اعتیاد در گفت‌وگو با جام‌جم معتقد است در بروز این امر چند دلیل عمده خارجی و داخلی سهیم است. معتادان نیز ثابت بودن قیمت موادمخدر صنعتی را دلیل گرایش به سمت این مخدرها عنوان می‌کنند. به طور کلی این گزارش نشان می‌دهد تمایل به مواد مخدر صنعتی در کشور در کمتر از یک دهه اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته یا دست‌کم اعداد نشان می‌دهند که شاهد افزایش عرضه مخدرهای صنعتی مانند شیشه نسبت به مخدرهای سنتی هستیم که حاکی از افزایش تقاضاست.

صفاتیان با بیان این‌که دو سال پس از به دست‌گرفتن حاکمیت افغانستان توسط طالبان، وضعیت مواد مخدر در هاله‌ای از ابهام قرارگرفت، گفت:«شخصا نگاهم این بودکه با ممنوعیت کشت موادمخدر توسط طالبان با بحران مصرف مواد روانگردان مواجه خواهیم بود که همین‌طور هم شد. چراکشفیات مخدرهایی مانند تریاک کاهش پیدا کرده، زیرا طالبان کشت موادمخدر ندارد، در صورتی که ۲۰۰ هزار زمین زیرکشت بود که درحال حاضر به زیر ۵ درصد کاهش پیدا کرده و به همین دلیل قیمت آن افزایش پیدا کرده است. در مقابل با افزایش کشفیات روانگردان‌ها مواجهیم. یا ماده اولیه این مواد از کشورهای افغانستان و عراق یا خود روانگردان‌ها وارد کشور می‌شود. البته افزایش‌کشفیات روانگردان وکاهش کشفیات مخدرهای سنتی چندان دور از ذهن نبود و معتقدم در سال‌های بعد فاصله این دو افزایش یافته و در دو سه سال آینده با بحران مصرف روانگردان‌ها به دلیل تنوع زیاد این مواد در ایران مواجه خواهیم بود. کپتاگون ماده روانگردان بسیار مخربی است که داعش از آن استفاده می‌کرد و کشفیات آن در غرب ایران و عراق و ترکیه بسیار زیاد است. افزایش کشفیات به این معنی است که آمار ورودی این ماده به منطقه با روند افزایشی روبه‌رو بوده است.»

صفاتیان ادامه داد: «هیچ آمار رسمی در مورد تعداد معتادان در کشور وجود ندارد. در اینجا باید بگویم در وهله اول، قیمت زیاد مهم نیست و دسترسی به آن ماده مهم است. قاچاقچیان مواد مخدر اتاق فکر نخبه‌ای متشکل از شیمیدان‌ها، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، پزشکان، افراد وارد به امور نظامی و... دارند که اینها وضعیت جامعه را با هوشیاری کامل رصد می‌کنند که در حال حاضر جامعه ایران با توجه به شرایط فعلی کشور، آمار مصرف‌کنندگان، کشورهای همسایه و شرایط آنها به چه نوع ماده‌ای نیاز دارد. در این بین، وقتی موجودی مخدرها کاهش می‌یابد، تمایل به مصرف مواد دیگر افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی این گروه تصمیم می‌گیرند چه ماده روانگردانی را وارد بازارکنند. در دو سه سال گذشته، چه سیاستی در این مورد در کشور وجود داشت و چقدر زمان صرف آن شد؟ در شرایطی که طالبان میزان کشت موادمخدر را کاهش داده، مردم ایران آیا سراغ ترک می‌روند؟ پاسخ خیر است. سراغ روانگردان می‌روند، یا چند ماده‌ای می‌شوند یا قرص مصرف می‌کنند.»

این تحلیلگر ارشد حوزه اعتیاد با اشاره به عوارض خطرناک موادمخدر صنعتی گفت: در مورد مخدرهای سنتی، ما با مشکلات قلبی و کلیوی و شخصی مواجه بودیم اما در مورد روانگردان‌ها، اگر کارخانه‌ای را دو روز در اختیار مصرف‌کننده روانگردان قرار دهیم، آن را نابود می‌کند. چنین فردی مملو از استرس، توهم و اضطراب است و اصلا قابل قیاس با مصرف‌کننده تریاک نیست.»

او با انتقاد از این‌که سیستم‌ها نگاه بلندمدتی به بحث مواد مخدر ندارند و تمام برنامه‌ها کوتاه‌مدت است، ادامه داد: «تمام داستان این است که با معتاد متجاهر چه کنیم و کجا اردوگاه بزنیم. در حالی‌که با افزایش میزان مصرف روانگردان‌ها در جامعه، اتفاقا به آمار معتادان متجاهر نیز افزوده خواهد شد. براساس تحقیقی که ستاد مبارزه با موادمخدر در سال ۸۲ انجام داد، مواد مخدر به اقتصاد کشور ضرر وارد کرد. چنین رقمی باعث قدرتمند شدن گروه‌هایی شده و تروریست‌ها با تکیه بر چنین پولی مدام در شرق و غرب کشور بحران ایجاد می‌کنند. به همین دلیل لازم است رئیس جمهور با انتخاب دبیر کل از او بخواهد که در تعامل با دستگاه‌های ذی‌ربط از آنها بخواهد تا بگویند که چطور می‌توان این مبالغ ضرر را جبران کرد. سیستم پویا و زنده اتاق فکر مافیای مواد مخدر، وقتی با کاهش تولید موادمخدر در افغانستان و افزایش قیمت آن مواجه می‌شود، روانگردانی را وارد جامعه می‌کند که قیمت پایین‌تری دارد تا جوان‌ها با گرایش به مصرف این مواد، در زمین آنها بازی‌کنند. در سیستم آنها، تمام افراد در جای درست خود قرار دارند و درست تصمیم‌گیری می‌کنند به همین دلیل، ما همیشه چند قدم از آنها عقب‌تر است.



برش

روایت معتادان سنتی و صنعتی از قیمت مواد

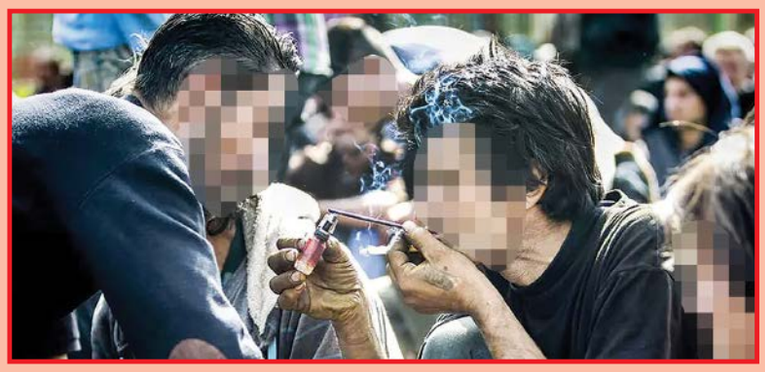
به اتهام سرقت لوازم داخل خودرو در غرب تهران دستگیر شده‌اند. دو معتادی که برای تأمین هزینه‌های موادمخدر و زندگی سرقت می‌کردند. سعید، طراح این سرقت‌ها می‌گوید: «ابتدا تریاک می‌کشیدم اما با گران شدن آن تغییر مصرف دادم و سراغ شیشه و هروئین رفتم. الان هر روز سورچه و شیشه می‌کشم؛ روزی یک گرم سورچه و یک و نیم گرم شیشه. هر دو را باید با هم بکشم. ۲۰۰ هزار تومان پول شیشه می‌شود. ۶۵۰ هزار تومان هم برای مصرف سورچه می‌دهم. در مجموع ۸۵۰ هزار تومان هزینه مصرف مواد مخدرم در روز است. دوستم هم مثل من مصرف دارد. با این حساب باید روزانه دو میلیون تومان درآمد داشته باشی تا بتوانی پول موادمخدر، غذا و جا خواب را تأمین کنی. خب تنها راهی که می‌توان به این درآمد رسید، سرقت است. ماهی ۲۵ میلیون تومان هزینه مواد ماست.» او درباره دلیل تغییر ذائقه مصرفش گفت: «تریاک خیلی گران شده و به درد ما نمی‌خورد. به همین دلیل سمت سورچه و شیشه رفتیم. موادصنعتی تنها موادی در ایران است که تورم ندارد. چند سالی هست که نرخش ثابت مانده است.» صحبت‌های این معتاد تاکیدی بر تسلط قاچاقچیان بر مصرف معتادان و توانایی آنها در تغییر ذائقه‌شان است. در کنار ثابت ماندن قیمت مواد روانگردان، دسترسی راحت به آن است. معتادان می‌گویند؛ موادمخدر صنعتی خیلی راحت در پارک‌ها پیدا می‌شود. از این معتاد درباره سورچه می‌پرسم که می‌گوید: «سورچه هروئین خالص است و مصرفش حال را خوب می‌کند و وابستگی دارد.»

به اتهام کلاهبرداری دستگیر شده اما ظاهرش نشان می‌دهد خمار موادمخدر است. می‌گوید چند سالی است تریاک می‌کشد و الان برایش خاصیت درمانی پیدا کرده. درباره هزینه مصرف موادمخدرش می‌پرسم و پاسخ عجیبی می‌دهد: قیمت تریاک خیلی نوسان دارد اما فکر کنم الان بخواهی درست بکشی باید بین یک تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بپردازی. در منطقه ما تریاک در حد مصرف خودمان کشت می‌شود و از تولیدات خودمان استفاده می‌کنیم.»

پسر جوان از قماربازان حرفه‌ای است که به خاطر فعالیت در سایت‌های شرط‌بندی دستگیر شده است. می‌گوید؛ لاکچری زندگی می‌کرد و به همین دلیل سراغ کوکائین رفته بود: «کوکائین خالص در ایران خیلی کم است و این مخدری که تولید می‌شود ناخالصی دارد. هر بار مصرف کوک حداقل سه میلیون تومان خرج داره.»

گل، ماده مخدری است که این روزها در بین جوانان طرفدارانی پیدا کرده. آن‌طور که مصرف کنندگان می‌گویند؛ یک پک این مخدر بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود. میزان مصرف با زمان شروع مصرف رابطه مستقیم دارد. افرادی که تازه شروع کردند با نیم پک هم حالشان خوب می‌شود اما افرادی که معتاد شده باشند حداقل یک پک برای هر بار مصرف می‌خواهند.»

یک مقام آگاه در این باره به جام جم گفت: «مقدار مصرفی موادمخدر برای هر مصرف کننده متفاوت است. همین هم باعث مبلغ اعلامی متفاوت بین مصرف‌کنندگان شده. یک نفر تازه شروع کرده و کم مصرف می‌کند و یک معتاد سال‌ها درگیر است و برای این‌که به نشئگی برسد، نیاز به مصرف بیش از یک گرم دارد. در سال‌های اخیر قیمت تریاک رشد داشته و همین باعث کوچ معتادان از مصرف سنتی به صنعتی شده است. حال نوع مواد هم فرق دارد. مثلا شیشه ایرانی و افغانی داریم که تفاوت قیمتش بالاست.»



کوتاه از حوادث

کارگردان سناریوی شیطان پای چوبه دار

حکم اعدام کارگردان جوان که به بهانه خارج کردن پلیدی از جسم دختران دانش‌آموز با آنها ارتباط سیاه برقرار می‌کرد، در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد. زن جوانی که دختران را اغفال و در دام متهمان گرفتار کرده بود هم به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات پلیسی درباره این پرونده از تابستان سال ۱۴۰۱ و با شکایت دختر نوجوانی به نام سارا در پلیس آگاهی تهران آغاز شد.

دختر نوجوان در شکایت خود گفت: از دوران کودکی به بازیگری علاقه‌مند بودم و وقتی ۱۵ ساله شدم با موافقت خانواده‌ام در یک آموزشگاه بازیگری ثبت‌نام کردم. بعد از چند هفته یکی از مربی‌های آنجا به نام فریبا، مرا با آقای کارگردانی آشنا کرد. فریبا مدعی بود آقای کارگردان علاوه بر ارتباطات خوب در سینما قدرتی ماورایی هم دارد که با ارتباط با ماورا، روح بازیگر را که لازمه موفقیتش در کار است از بدی و گناهان پاک می‌کند. این اظهارات در من تأثیر گذاشت. پس پذیرفتم برای موفقیت در کارم، به اتفاق فریبا به خانه آن کارگردان برویم. آن روز مرد شیاد مدعی شد؛ روح پاکی دارم اما می‌تواند به من قدرتی ماورایی بدهد. بعد به این بهانه به من نزدیک شد و بدون توجه به التماس‌هایم، مرا مورد آزار و اذیت قرار داد.

در حالی که مأموران در حال بررسی و تحقیق از کارگردان ۵۰ ساله بودند دختر ۱۶ ساله دیگری با حضور در پلیس آگاهی شکایت مشابهی را علیه آقای کارگردان مطرح کرد. با بررسی این دو شکایت مشخص شد، آقای کارگردان با همدستی مربی آموزشگاه و با دسیسه قبلی، دختران نوجوان را فریب می‌دهند. به این ترتیب با ردیابی متهم اصلی در خانه ویلایی‌اش در شمال تهران وی بازداشت و در ادامه فریبا ۴۰ ساله هم دستگیر شد.

هر دو متهم در بازجویی‌ها منکر فریب و آزار و اذیت چهار دختر دانش‌آموز شدند. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این جلسه شکات به طرح شکایت و تشریح ماجرا پرداختند و دو متهم هم همچنان منکر اتهامات خود شدند. قضات هم در ادامه آقای کارگردان را به اعدام و همدستش را به حبس محکوم کردند. این رأی در دیوان عالی کشور بررسی و نقض شد. به این ترتیب متهمان در شعبه پنجم دادگاه کیفری دوباره محاکمه شدند. آنها در این جلسه هم منکر اتهامات خود شدند. قضات دادگاه هم در پایان آقای کارگردان را به اتهام زنای محصنه به اعدام و فریبا را به ۲۰ سال زندان محکوم کردند که این بار حکم مجازات آنها در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.

دردسر مسابقه در المپیک برای دختر کاراته‌کا

مرد تبهکار وقتی فهمید مرد افغان برای اعزام دختر کاراته‌کا خود به مسابقات به حمایت مالی نیاز دارد، به بهانه کمک مرد افغان را ربود و از خانواده‌اش اخاذی کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش مردی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از مردی به اتهام آدم‌ربایی و اخاذی ۲۰۰ میلیون تومانی شکایت کرد.

پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و در اظهاراتش گفت: من و خانواده‌ام سال‌ها پیش از افغانستان به ایران آمده و در استان گلستان ساکن شدیم. فرزندانم در ایران به دنیا آمده‌اند. دخترم علاقه زیادی به ورزش کاراته داشت و در این زمینه فعالیت می‌کرد، حتی مدال و مقام‌هایی نیز در این رشته به دست آورد. دخترم آرزو داشت، به‌عنوان نماینده کشور افغانستان در مسابقات جهانی و المپیک شرکت کند. برای گرفتن کمک مالی به دفتر نمایندگی سازمان ملل در امور پناهجویان در تهران رفتم. مدارک قهرمانی و هویتی او را گرفتند و قرار شد بعد از بررسی لازم نتیجه را اعلام کنند. آن روز که از دفتر خارج شدم تا به خانه‌ام بازگردم مردی سمتم آمد و با من حرف زد و وقتی از ماجرا باخبر شد مدعی بود که فرد بانفوذی را در سازمان ملل می‌شناسد که اگر با او حرف بزند این هزینه را زودتر به دخترم می‌دهند. شماره تلفنم را گرفت و دو روز بعد طی تماسی از من خواست تا به دیدار او به تهران بروم.

شاکی ادامه داد: روز ملاقات‌مان سوار خودرویش شدم، او به من آبمیوه تعارف کرد و بعد از خوردن آن سرم گیج رفت و بیهوش شدم. وقتی به خودم آمدم ساعاتی گذشته و با دست‌وپای بسته در خانه‌ای بودم که بعد فهمیدم اطراف تهران است. او مرا به گروگان گرفت و چهار شبانه‌روز در آنجا بودم. در تماس تلفنی با خانواده‌ام تهدید کرده بود که اگر ۲۰۰ میلیون تومان پول در برابر آزادی‌ام نپردازند مرا به قتل رسانده و جسدم را می‌سوزاند.

شاکی گفت: خانواده‌ام بخشی از اموال خانه را فروختند و با کمک اقوام و دوستان ۲۰۰ میلیون تومان را جور کرده و از طریق صرافی به حساب او واریز کردند، اما آن مرد نه‌تنها مرا آزاد نکرد بلکه در خودروی ترانزیتی انداخت و با دست‌وپای بسته مرا در مرز ایران ـ افغانستان رها کرد و از آن محل ناپدید شد. مرد چوپانی ناله‌هایم را شنید و با گرفتن رد صدا به آنجا آمد و نجاتم داد. حمیدرضا کیاستی‌نیا، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با شکایت این مرد، تحقیقات پلیسی برای دستگیری آدم‌ربای اخاذ ادامه دارد.

ادعای عجیب متهم سرقت خشن در ملارد؛

دعوا کردم، سرقت نکردم!

یکی از هم‌دستان سارق خشن که فیلم سرقتش از پژو ۲۰۶ در ملارد جنجالی شده بود، در تعقیب و گریز پلیسی دستگیر شد. درحالی‌که پلیس و دادستانی او را به‌عنوان سارق معرفی کردند، خودش ادعای عجیبی دارد.

به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، تابستان امسال سرقت از خودروی پژو ۲۰۶ در یکی از محلات ملارد به پلیس گزارش شد. مأموران با حضور در محل تحقیقات خود را آغاز کرده و در بررسی‌ها متوجه شدند، دزدان قصد سرقت بسته پول از داخل خودرو را داشتند که همان موقع مالباخته سر رسیده و قصد دستگیری آنها را داشت. دزدان که دو نفر بودند، با چاقو به مالباخته حمله و او را زخمی کردند. بعد هم مقداری از پول‌ها را از روی زمین جمع کرده و با خود بردند. خودروی پرشیای سفید دزدان پلاک عقب نداشت و روی سپر جلوی آن هم پلاک سرقتی نصب شده بود. بررسی‌های بیشتر نشان داد، اعضای این باند در اطراف بانک‌ها زاغ‌زنی کرده و افرادی را که پول و تراول می‌گرفتند شناسایی می‌کردند. بعد هم در فرصتی مناسب در خودرو را باز کرده و پول‌ها را سرقت می‌کردند. اگر صاحب ماشین سر می‌رسید، با او درگیر می‌شدند.

سرهنگ کیانوش نورمحمدی، فرمانده جدید انتظامی شهرستان ملارد در این‌باره گفت: تیم پلیس آگاهی با سرنخ‌هایی که به‌دست آورده بودند، یکی از اعضای این باند را شناسایی کردند. این‌فرد از هم‌دستان سارق اصلی بود. سرانجام روز دوشنبه او سوار بر یک خودروی پرشیای سفید شناسایی شد. مأموران به او دستور ایست دادند که او خلاف جهت حرکت خودرو شروع به حرکت کرد. با توجه به خطری که برای دیگر رانندگان وجود داشت مأموران لاستیک خودرو را هدف قرار داده که متهم چند کیلومتر بر روی رینگ حرکت کرد و سرانجام متوقف شد. متهم سپس وارد باغی شد که مأموران آنجا را محاصره کرده و وقتی وارد شدند اثری از او نبود. به جست‌وجو پرداخته و متهم را در حالی که میان علف‌های باغ مخفی شده بود، شناسایی و دستگیر کردند. متهم با قرار قانونی در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری هم‌دستانش ادامه دارد.



فیلم

برش

سارق نیستم

مرد قوی‌هیکل با دستان بسته کنار خودروی پلیس ایستاده است. می‌گوید در این ماجرا بی‌گناه است و دوستش ماجرای سرقت را به او نگفته بود.

در فیلمی که از سرقت منتشر شد، نقش تو چه بود؟

من راننده بودم اما از سرقت خبر نداشتم.

چطور؟

دوستم خواست توقف کنم. بعد هم پیاده شد. در حال درست‌کردن فلش ضبط بودم که متوجه درگیری‌اش شدم. فکر کردم دعوا کرده و برای هواخواهی از او وارد دعوا شدم. بعد فهمیدم سرقت کرده بود.

پس چرا وقتی مأموران ایست دادند فرار کردی؟

ماشین مأموران شخصی بود و من با چند نفر مشکل داشتم. فکر کردم آنها سراغم آمدند. من سارق نیستم و در این ماجرا نقشی نداشتم.